

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۲۴

اختر محمد یوسفی

## قانون اساسی افغانستان وثیقه ملی است!

قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان در مورد انتخابات و انتخاب رئیس جمهور صراحت دارد. نباید اینبار مانند انتخابات سال 2014 میلادی ریاست جمهوری افغانستان دوباره با میاجگیری مفسدین داخلی و خارجی مانند عمل خیابانه جان کری وزیر خارجه وقت امریکا برای تعمیم اهداف خارجیها بر ضد قانون اساسی افغانستان معامله شود.



بعد از انتخابات و چندین بار باز شماری صندوقهای رأی دهندگان براساس نتایج انتخابات توسط کمیسیون انتخابات افغانستان داکتر اشرف غنی را بحیث رئیس جمهور اعلان نمود. اشرف غنی بحضور هزاران اشتراکننده و دیپلماتهای خارجی حلف وفاداری خویش برای ریاست جمهوری ادا نموده که تعداد زیادی از کشور بشمول سازمان ملل متحد به اشرف غنی بحیث رئیس جمهور منتخب افغانستان پیامهای تبریکی فرستاده و آمادگی همکاری خود را با وی اعلان نموده اند.

همزمان با حلف وفاداری اشرف غنی بحیث رئیس جمهور افغانستان در عقب دیوار همان عبدالله عبدالله با حمایت عده از جنایتکاران و مجرمین جنگی چهاردهه جنگ در افغانستان خود را نیز بحیث رئیس جمهور افغانستان اعلان نمود. اعلان عبدالله بحیث رئیس جمهور دوم افغانستان نه اینکه یک عمل غیر قانونی و بغاوت در برابر قانون اساسی کشور است بلکه براساس قانون اساسی افغانستان جرم مشهود نیر میباشد. این بحران که شما می بینید، بحرانی جدیدی جنگ در افغانستان نیست، بلکه ادامه بحران جنگی که سالها اند که توسط همین حلقهات جنایتکار جنگی در افغانستان برای غارت و چپاول و اهداف خارجی ها ایجاد گردیده و هر آنکه منافع نامشروع خود را چپاولگران و جنایتکاران در خطر ببیند آتش جنگ و شانتاژ را تشدید میکند. این شعبده بازان حرفی خوب میدانند که چه وقت شادی شانرا بر سر سنج برای شادی بازی با دلقق های خود بکشند. انتخابات ریاست جمهوری برای آنان صرف یک بهانه است، ببینیم که عوامل تشدید کنونی بحران این جنایتکاران در کجا نهفته است.

\* ایالات متحده امریکا بعد از هژده ماه مذاکرات پیچیده و سرپوشیده با وساطت پاکستان توافقنامه خروج قوای نظامی خود و ناتو را در توافقنامه یکجانبه با طالبان بتاريخ 29 ماه فیروزی در دوحه پایتخت قطر امضا نمودند. در توافقنامه ایالات متحده امریکا با طالبان برخی مواد مندرج که اجرای آن به افغانها تعلق دارد در عمل با شرایط موجود و ساختارهای محصول جنگ سه دهه اخیر در صحنه کنونی سیاسی افغانستان غیر عملی است. فشارهای مقامات ایالات متحده امریکا بالای دولت ضعیف افغانستان برای جلوگیری از ناکامی توافقنامه با طالبان غرض تطبیق آن مواد مندرج که اجرای آن به افغانها تعلق میگیرد وضع بحران را بیشتر از پیش تشدید نموده است. پروسه صلح طرفهای درگیر داخلی جنگ در افغانستان که از حمایت مستقیم حمایتگران متخاصم منطقوی و بین المللی برخوردار هستند، صلح و قطع جنگ بدون اشتراک نمایندگان قربانیان اصلی مردم درجنگ افغانسان و توافق بازیگران منطقوی و بین المللی آن که از جنایتکاران اجیر شان حمایت میکنند ناممکن است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

\* جنگ سه دهه اخیر در افغانستان ترکیب از قوتها داخلی جنایکاران جنگی و مفسدین سیاسی متخاصم بدون حمایت و پشتوانه اکثریت مردم خسته از جنگ بیگانگان در افغانستان است. جنگ سه دهه اخیر در افغانستان براساس توطیه های دشمن با تعلقات قومی و مذهبی که توسط حمایتگران منطقوی و بین المللی خارجی حمایت می شود بدو مرکز متضاد اتحاد ضد طالب و اتحاد طالب تقسیم گردیده است. تأمین صلح و قطع جنگ توسط اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب ناممکن است.

#### اول- اتحاد ضد طالبان:

اتحاد ضد طالبان قبل از خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان برای تداوم جنگ و خونریزی در میهن ما توسط اجیران داخلی جنگی در وجود جمعیت "اسلامی" بر رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی بوجود آمده است، که از حمایت مستقیم ایران، ترکیه و فدراتیف روسیه تا هنوز برخوردار هستند. جمعیت "اسلامی" شاخه از حزب "اسلامی" است که در مراحل اولی قبل از "جهاد" با حزب اسلامی یکجا بودند. حزب "اسلامی" در آنوقت بر ضد جمهوریت محمد داود خان بغاوت های لغمان و تعمیر ولسوالی پنجشیر را در دادند. احمدشاه مسعود از جمله اولین چهار نفر بود که برای تربیت نظامی به مصر و لبنان از طرف اخوان المسلمین اعزام گردیدند. از جمله همان چهار نفر، احمد شاه مسعود تنها به لبنان اعزام می گردد که جناح "اخوانی" پی ال او در داخل "الفتح" تحت فرماندهی عرفات، او را تعلیم می دهند. احمدشاه مسعود یگانه کسی بوده است، که متخصصین امریکائی او را یک قوماندان برجسته در جنگ های "چریکی" می شناخته اند. عبدالله عزام از تندروان اخوان المسلمین فلسطینی بحیث مشاور جنگ جمعیت "اسلامی" در پشاور پاکستان بود که بعدها در اثر اختلافات داخلی جنگجویان عرب در تنظیمهای "جهادی" افغان در پاکستان در شهر پشاور ترور گردیده است. احمدشاه مسعود بعد از حادثه ۱۳۵۸ شمسی هرات یگانه کسی بوده است، که در لیست "جنگ سر پوشیده" به پنجشیر اعزام می گردد.



تصادفی نیست که اعضای جمعیت "اسلامی" و شورای نظار احمدشاه مسعود دستمالهای چارخانه تکه یاسر عرفات را بگردن خود دارند. بهر حال روزی بدی هم فرار رسید که احمدشاه مسعود توسط تندروان عرب بهمکاری یاران خودش بقتل میرسد. چندی بعد دستگاه استخباراتی فرانسه دوست خلل ناپذیر احمدشاه مسعود، استاد اورا یاسر عرفات را در خیمه پلاستیکی در یکی از شفاخانه های شهر پاریس خفه میکند اینست نتیجه خدمت با استخبارات بیگانه.

در نتیجه انشعاب در بین حزب "اسلامی" بر رهبری گلبدین حکمتیار و جمعیت "اسلامی" بر رهبری برهان الدین ربانی همزمان و تشدید اختلافات تنظیمهای "جهادی" در پاکستان تمایلات جمعیت "اسلامی" بر رهبری برهان الدین ربانی و احمدشاه مسعود با شوروی ها نزدیک میگردد که موجب قراردادهای با شوروی می شوند و اعتماد غربیها کاهش مییابد.

فعالتهای همکاری شوروی ها توسط افسران کا. جی. بی. با جمعیت "اسلامی" بر رهبری برهان الدین ربانی و شورای نظار احمدشاه مسعود در داخل افغانستان رهبری می گردید. روزی دوسیه همکاری اطلاعاتی برهان الدین ربانی از سر میز سرمشاور شوروی در ریاست پنج وزارت امنیت دولتی مفقود می شود. شوروی ها بالای رئیس عمومی ریاست پنج جنرال جلال زرمنده شک میکنند، و در هنگام تسلمی گروپ جمعیت "اسلامی" بدولت در ولسوالی اوبی هرات در فیر بدرقه هوایی رئیس عمومی ریاست پنج جنرال جلال زرمنده را نیز میکوشند. اتحاد ضد طالبان مجدداً بعد از حملات القاعده دوست طالبان بر بیز های امریکایی در عربستان سعودی و حمله بر سفارت امریکا در نایروبی با غرب تقویت می شود. سی. آی. ای. در عملیات ضد طالبان در افغانستان جمعیت "اسلامی" بر رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی را با پول وافر برای سقود طالبان استخدام می نمایند. در ماه دسمبر سال ۲۰۰۱ میلادی درکنفرانس بن المان قدرت به اتحاد ضد طالبان می سپارند.

## دوم- اتحاد طالبان:

اتحاد طالب در جریان جنگهای داخلی تنظیمهای "جهادی" بر سر قدرت هنگامیکه رهبری جنگ در افغانستان از کنترل پاکستان خارج گردیده بود، مطمئن ترین فرد پاکستان صدراعظم گلبدین حکمتیار بود که قوتهای جنگی آن در خارج از شهر کابل در چهار آسیاب مستقر بودند. گلبدین حکمتیار شهر کابل را زیر آتش فیرهای راکت قرار میداد و در مدت چند ماه بیش از هفتاد هزار افراد ملکی بیگناه را بقتل رسانید. پاکستان با ارسال طالبان مدارس خویش در تقویه آتش جنگ افغانستان زمینه ادغام فعالیتهای مشترک جنگی طالبان با القاعده فراهم نمودند و جنگ را بنفع خویش مهار کرد. گرچه طالبان افغانستان را از خطر تجزیه مانند اکنون دشمنان افغانستان میخواستند نجات دادند، مگر اعمال خشن و تندروی شان از "اسلام" کشور را ویران نمودند. طالبان در اوایل از حمایت بی حساب مالی عربستان سعودی و کشورهای عربی برخوردار بودند که تا هنوز هم عربستان سعودی و برخی کشورهای عربی در رقابت با ایران در جنگ نیابتی طرفداری از طالبان را می کند.

\* اگرچه هردو اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب در الفاظ شعارهای صلح را تبلیغ میکنند، مگر بنابر تجارب گذشته ترس و انتقام جویی با وابستگی های متضادی منطقی و بین المللی شان صلح و قطع جنگ در افغانستان توسط هردو آن امر بعید است.

\* آنچه را که اکنون جانب مقامات ایالات امریکا بنابر تقسیم قدرت مانند انتخابات سال 2014 میلادی که توسط جان کری وزیر خارجه وقت امریکا بعد از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفت بود روی دست گرفته اند تکرار مجدد فاجعه و نقض قانون اساسی است. تقسیم قدرت چوکی ها مقامات ریاست جمهوری افغانستان دوباره با میاجگیری مفسدین داخلی و خارجی به هیچ وجه به صلح و قطع جنگ در افغانستان نمی انجامد و یک عمل واضح خاینانه است، که تداوم جنگ هردو اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب را با خود حتمی دارد.